

ضرورت توجه به روی آوردهای نوین معناشناسی در مطالعات علوم قرآن و حدیث

علی رازی زاده^۱

دریافت صحیح و کامل مقصود متن (شفاهی یا مکتوب)، همواره مهم ترین و اساسی ترین چالش اندیشمندان و پژوهشگران عرصه مطالعات دینی به شمار آمده است. این چالش چنان اهمیت دارد که شاید گزاف نباشد اگر گفته شود مسئله اصلی مطالعات اسلامی از ابتدا تا کنون فهم متن و تبیین آن است. مقدمات علم اصول، مباحث الفاظ، مقدمات حکمت و دیگر مسائل مشابه، از جمله شیوه هایی بود که پیشینیان برای دریافت معنا از متن به کار می بستند؛ چراکه از ابتدای نزول وحی و به ویژه پس از رحلت پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله و سلم، این شبهه در ذهن اندیشمندان دینی وجود داشته است که آیا تبیین ارائه شده از کلام وحی، در راستای آموزه ها و معارفی است که از سوی خداوند نازل شده یا تبیینی بر پایه اجتهاد، قرائن ظنی و تفسیر به رأی است.

اهمیت این مسئله در کلام معصومین علیهم السلام بارها مورد تأکید قرار گرفته، به طوری که دعوت به اهتمام برای ادراک صحیح کلام وحی، رویه همگانی و همیشگی ایشان بوده است.^۲ نمونه ویژه آن را می توان در سفارش رسول مهربانی صلی الله علیه و آله و سلم به امیر مؤمنان علیه السلام مشاهده کرد؛ جایی که به ایشان توصیه فرمود پس از حضرت، عبا بر دوش نگیرد و از خانه خارج نشود تا قرآنی را که در خانه دارد، تدوین کند.^۳ آیا نگرانی آن حضرت تنها برای جمع آوری آیات وحی بوده که برخی از صحابه، آن را حفظ می کردند و نسخه های دیگر آن در نزد سایرین موجود بوده است؟ یا این که سفارش حضرت به امیر مؤمنان علیه السلام از آن رو بود که جزئیات و شأن نزول و به عبارت دیگر، وحی بیانی را _ که در توضیح و تبیین وحی قرآنی از سوی پروردگار برای پیامبر خود فرو فرستاده بود _ جمع آوری کند تا فهم آیات قرآن برای افرادی که چرایی نزول آیه را نمی دانستند فراهم شود و شرایطی پیش نیاید که روزی افراد منافق و دشمن خدا و رسول از آیات متشابه، علیه جریان اصیل اسلامی بهره برند.

فرمایش حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم به امیر مؤمنان علیه السلام در آن برهه حساس تاریخی _ که سرنوشت جهان اسلام را برای همیشه دستخوش تغییر قرار داد _ می تواند نشان دهنده این مسئله باشد که از دیدگاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم، اگر تدوین دقیق وحی بیانی در تبیین وحی قرآنی، اهمیتی فراتر از مسئله جان شینی و خلافت نداشته باشد، چیزی کمتر ندارد. این اهمیت را می توان در کلام امیر بیان علیه السلام مشاهده کرد؛ آن جایی که فرمود:

۱. دانش پژوه سطح سه مرکز تخصصی حدیث حوزه (Razizadeh@gmail.com)
۲. نک: الکافی، ج ۱، ص ۲۲؛ نهج البلاغه، خ ۲۳۹، ص ۳۵۸؛ کنز الفوائد، ج ۲، ص ۳۱.
۳. نک: تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۵۱.

اگر مردم قرآن را به همان صورت که نازل شده، قرائت نمایند، هیچ دو نفری با یکدیگر اختلاف نمی کنند.^۱

این چنین بود که حضرت امیر علیه السلام چند روز را به امتثال فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله اختصاص داد. هنگامی که فرمایش امتثال شد و وحی بیانی در کنار وحی قرآنی تدوین گردید، حکومت وقت _ که با شعار کفایت قرآن بر سر کار آمده بود _ وحی بیانی را برنتافت و به وحی قرآنی اکتفا کرد.^۲ نتیجه این بی توجهی به وحی بیانی، آسیب های متعددی را در طول سال های بعد بر جای گذاشت. پنهان شدن آموزه های صحیح در میان باورهای انحرافی، ظهور مدعیان دروغین، پاره پاره شدن جامعه اسلامی و شکل گیری فرقه های بسیار بر اساس تلقی های متفاوت از متن واحد، از جمله آن هاست. این تشتت و چنددستگی به مرحله ای رسید که متشابهات وحی قرآنی، خود منشأ اختلاف گردید و برای برخی امکان هدایت گری را از دست داد؛ نمونه بارز آن را می توان در جنگ نهروان مشاهده کرد؛ جایی که حضرت امیر علیه السلام به عموزاده خود سفارش کرد در محاجه با خوارج، به جای قرآن تنها به سنت نبوی استناد نماید.^۳

اکنون که آن قرآن تدوین شده به دست حضرت امیر علیه السلام در اختیار نیست و تا زمان ظهور آخرین باقی مانده از نسل ائمه اطهار علیهم السلام نیز در اختیار نخواهد بود، چه باید کرد؟ آیا با بی تفاوتی دست برداریم؟ یا با جدایی بیش از پیش امت پیامبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله را به نظاره نشسته است؟ آیا با پذیرش وضع موجود، نسبت به فراهم شدن زمینه های شکل گیری گروه های افراطی سکوت کرد؟ یا این که اندیشمندان و پژوهشگران مطالعات دینی چاره ای ندارند جز تلاش برای رسیدن به دریافت معنای مقصود از کلام وحی از طریق همین وحی قرآنی و بخشی از وحی بیانی که مقداری از آن توسط ائمه اطهار علیهم السلام بیان شده است. در چنین شرایطی است که تلاش برای رسیدن به روی آوردی که بتواند نزدیک ترین تبیین از مقصود صاحب متن را ارائه دهد، بیش از پیش جلوه می کند.

از جمله روی آوری هایی که می کوشد امکان دسترسی به نزدیک ترین مقصود از کلام وحی (قرآنی و بیانی) را فراهم کند، معناشناسی است. معناشناسی روی آوردی است که به بررسی اجزای کلام، ارتباط میان آن ها و تلاش برای درک معنا از طریق آن اجزا می پردازد. معناشناسی دارای مکاتب و زیر شاخه های متعددی است که هر یک ویژگی های مخصوص به خود را دارند. مهم ترین ویژگی معناشناسی، توجه ویژه آن به متن و چگونگی خوانش آن است. در این روی آوردی، معناشناس می کوشد متن را آن گونه که هست بخواند، نه آن گونه که باورهای فرامتنی به او القا می کنند تا بتواند نزدیک ترین معنا به مقصود صاحب متن را به دست آورد؛ به عبارت دیگر، معناشناسی در صدد آن

۱. همان.

۲. نک: مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۲، ص ۴۱.

۳. نک: نهج البلاغه، نامه ۷۷، ص ۴۶۵.

است که ضمن کاهش تأثیرگذاری باورهای فرامتنی معناشناس تا جای ممکن، با ارائه الگوهای متعدد و برآمده از منطق و نظام ارزش گذاری متن، از امکان دریافت معانی متعدد از متن تا جای ممکن جلوگیری کند و نزدیک ترین معنا به مقصود صاحب متن را به دست آورد. این روی آوری به ویژه در متون دینی _ که امکان قرائت های متعدد را در دل خود جای داده است _ بیشتر مورد توجه است.

معناشناسی نوین، دستاوردهای پرشماری می تواند به همراه داشته باشد. جدا از دستاوردهای صرف علمی که برای پژوهشگران این حوزه حاصل می شود، استفاده از روی آوری معنا شناسی نوین در متون مشترک میان مذاهب اسلامی، از زمینه های قرائت های غیرنظام مند و خارج از نظام ارزش گذاری متن جلوگیری می کند و با تلاش برای دست یابی به مقصود صاحب متن، نه تنها زمینه های گسترده تر شدن شکاف میان مذاهب اسلامی را از میان برمی دارد، بلکه موجبات هم گرایی بیشتر و نزدیکی در عمل و عقیده یا دست کم در پذیرش مسالمت آمیز و پرهیز از تکفیر دیگری را فراهم می سازد. فایده دیگر، کاهش قرائت های ناهمگون با آموزه های اصیل دین است. این کاهش قرائت موجب کاسته شدن از شکل گیری فرقه هایی می شود که بر اساس خوانش های شاذ از متن واحد شکل گرفته اند؛ فرقه هایی که نتیجه اختلافات درون مذهبی در فهم کلام وحی هستند. کاهش شکل گیری فرقه ها نیز زمینه های لازم برای وحدت میان مذاهب اسلامی را فراهم می کند.

از این رو فصل نامه علوم و معارف قرآن و حدیث، از تمامی اندیشمندان، پژوهشگران و دانش پژوهان عرصه مطالعات علوم قرآن و حدیث دعوت می کند یافته های علمی خود با روی آوردهای معناشناسی را در اختیار این مجله قرار دهند که با نشر آن، امکان هم افزایی جامعه علمی کشور بیش از پیش فراهم گردد.

منابع

۱. تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، تحقیق: طیب موسوی جزائری، قم، دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
۲. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی رازی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۳. کنز الفوائد، محمد بن علی کراچکی، تحقیق: عبدالله نعمه، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۰ق.
۴. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی، قم، علامه، ۱۳۷۹ش.

۵. نهج البلاغه، شریف رضی ابوالحسن محمد بن حسین موسوی، تحقیق: صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق.

